

وضعیت کودکان خیابانی

ایران و جهان

گردآورنده: خسرو شاهین صفا

مقدمه:

یکی از آسیب‌های جدی که جامعه ما را تهدید می‌کند گسترش روزافزون کودکان خیابانی است که به دلایل گوناگون بخشی یا همه اوقات خود را در خیابان‌ها سپری و عمدتاً از طریق تکدی، بزهکاری و شغل‌های کاذب و فصلی امرار معاش می‌کنند. گرچه آمار دقیقی از تعداد این کودکان در دسترس نیست، آماري که بر اساس جمع‌آوری بخشی از این کودکان تهیه شده بیانگر اهمیت و عمق این فاجعه عظیم ملی است که صرف‌نظر از مشکلات و مسایلی که در حال حاضر ایجاد می‌کند، پیامدهای ناگوارتری در آینده‌ای نه چندان دور برای جامعه در پی خواهد داشت.

طبق آمار رسمی فقط در سال ۷۸ و نیمه اول سال ۷۹ حدود ۷ هزار کودک خیابانی را یکی از مراکز جمع‌آوری این کودکان پذیرفته و نگهداری کرده است، کودکانی که از یک روز تا شش سال را در خیابان‌ها سپری کرده‌اند و حداقل سن آن‌ها ۳ سال بوده است.

وضعیت کودکان خیابانی در پیمان جهانی حقوق کودک

که نمایندگان ۱۹۱ کشور جهان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۸ آن را پذیرفته‌اند و ایران نیز از سال ۱۳۷۳ به صورت مشروط آن را پذیرفته، کودک کسی است که کمتر از ۱۸ سال داشته باشد مگر این که بر اساس قانون ملی قابل اعمال سن قانونی کمتر تعیین شده باشد.

بدین خاطر می‌توان گفت: «کودکان خیابانی» معمولاً به کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال که به طرق گوناگون در خیابان‌ها مشغول زندگی هستند گفته می‌شود. تعداد تخمینی کودکان و نوجوانان خیابانی در جهان از ۳۰ تا ۱۷۰ میلیون نفر در نوسان است.

بر اساس نتایج آماری دیگری در این خصوص در حال حاضر ۱۰۰ میلیون کودک خیابانی در جهان وجود دارد که نیمی از آن‌ها در کشورهای آمریکای لاتین و بقیه عمدتاً در کشورهای آفریقایی و آسیایی به سر می‌برند. تنها در آنکارا و استانبول ترکیه نزدیک به ۱۰ هزار کودک خیابانی وجود دارد و در کنیا این میزان

در حدود ۱۶۰ هزار نفر است. طبق تعریف یونسف، واژه کودک خیابانی به کلیه افراد زیر ۱۸ سال اطلاق می‌شود که در خیابان‌ها از طریق گدایی، بزهکاری و اشتغال به شغل‌های کاذب فصل ادامه زندگی می‌دهند و بسیاری از آنان بی سرپناه نیز محسوب می‌شوند، یعنی خانه‌ای برای سکونت، خواب و نظافت ندارند.

گرچه آمار نسبتاً دقیقی از تعداد کودکان خیابانی در دسترس نیست، گزارش‌های موجود حکایت از افزایش نسبی این معضل اجتماعی در جهان دارد. نبود امکان دستیابی به تعداد دقیق کودکان خیابانی عمدتاً به دلیل زندگی پنهانی، جابه‌جایی آنان و متغیر بودن تعداد آنان در زمان‌های گوناگون است.

در ایران نیز متأسفانه آمار دقیقی در دست نیست، لکن بنا به گزارش‌های غیررسمی فقط در تهران برآورد شده که ۲۰ هزار کودک خیابانی با سرپرست یا بدون سرپرست زندگی می‌کنند.

به طور کلی، یونسف کودکان

خیابانی را به دو دسته طبقه‌بندی می‌کند: دسته اول کودکان و نوجوانانی که غالباً در طول روز مشغول به کارند و شب‌ها نزد خانواده‌هایشان برمی‌گردند. این کودکان و نوجوانان ممکن است از خدمات و امکانات اجتماعی مانند مدرسه، کلیسا و ارتباط با گروه‌های دیگر اجتماعی نیز بهره‌مند باشند، دسته دوم کودکان و نوجوانانی که هم در خیابان‌ها کار می‌کنند و هم احتمالاً ارتباطی با خانواده‌شان دارند. بر اساس برآوردها ۷۵ درصد از کودکان و نوجوانان خیابانی از گروه اول و ۲۰ درصد از گروه دوم‌اند. ۵ درصد باقیمانده نیز آن‌هایی هستند که معمولاً در خیابان‌ها به سر می‌برند و هیچ‌گونه ارتباطی با خانواده‌هایشان ندارند.

بر این اساس، در برخی از کشورها مانند برزیل جوانانی که در خیابان به سر می‌برند ۷ میلیون نفر از جمعیت را تشکیل می‌دهند، در هند کودکان بی‌خانمان را ۴۴ میلیون نفر تخمین زده‌اند که البته شامل کودکان کارگر نیز می‌شود. در آمریکای لاتین حدود ۴۰ میلیون نوجوان و جوان رها شده وجود دارند که بدون هیچ‌گونه حمایت اجتماعی

در خیابان‌ها سرگردان هستند و دست به تشکیل گروه‌ها و باندهایی می‌زنند که پدیدآورنده ساختاری اجتماعی برای بقای فردی وضعیت کودکان خیابانی است.

در کشور ما نیز مسئله کودکان خیابانی امر جدیدی نیست، لکن افزایش چشمگیر آن در سال‌های اخیر باعث جلب توجه خاص مسئولان شده است و صرف نظر از چهره نامناسبی که در شهرها ایجاد کرده، تبعاتی دارد و دست‌های پنهان و منفوری که پشت این پدیده قرار گرفته زندگی و آینده این کودکان و نوجوانان را به طور جدی به مخاطره انداخته است.

سازمان تامین اجتماعی برای تعریف کودکان خیابانی معیارهای خاصی دارد. از نظر این سازمان کودکان خیابانی، کودکانی ۷ تا ۱۵ ساله، ایرانی‌الاصل، دارای شغل کاذب و بی‌بهره از آموزش هستند.

در حالی که در بررسی‌هایی که اخیراً انجام شده از ۲۰۰ کودک خیابانی، فقط ۹۰ نفر آن‌ها ایرانی و ۱۱۰ نفر دیگر مهاجران خارجی بوده‌اند. ضمن این که با توجه به تعریف سازمان تامین اجتماعی فقط ۴۵ نفر از آن‌ها کودک خیابانی قلمداد می‌شوند. افزایش کودکان خیابانی در سال‌های اخیر منحصر به تهران نبوده و در شهرهای دیگر از جمله شهرهای زیارتی نیز رخ داده است. تعداد کودکان خیابانی استان خراسان در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹، ۳۹ درصد افزایش داشته است. طبق همین گزارش ۱۱ درصد کودکان خیابانی در این استان بی‌سرپرست هستند. ۳۴ درصد

آن‌ها به کار اشتغال دارند و ۵۵ درصد آنان به صورت عادی در کنار والدین خود در خیابان‌ها کار می‌کنند. از سوی دیگر، آمار نشان می‌دهد که پس از تهران به ترتیب مشهد و قم بیشترین تعداد کودکان خیابانی را دارد که علت اصلی آن زیارتی بودن این شهرهاست.

زندگی در خیابان‌ها مشکلاتی برای کودکان ایجاد می‌کند که از زوایای گوناگون قابل بررسی است. از جمله این مشکلات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف - مشکلات بهداشتی: در میان مشکلات بهداشتی، سوء تغذیه مهم‌ترین عامل بیماری کودکان خیابانی است. این کودکان به دلیل محرومیت از مواد مغذی و ویتامین‌ها و سایر ملزومات غذایی عمدتاً به مشکل سوء تغذیه دچار می‌شوند. بر اساس نتایج یک بررسی انجام شده، تمامی کودکان خیابانی دچار سوء تغذیه هستند.

پس از آن بیماریهای مزمن گوارش است که به دلیل استفاده از مواد غذایی ناسالم و غیربهداشتی ایجاد می‌شود. کودکان خیابانی به بیماریهای پوستی نیز مبتلا می‌شوند. شیوع این بیماری بیشتر به دلیل آلودگی محل زندگی و خواب کودکان است و واگیردار بودن این بیماری‌ها باعث می‌شود که سایرین نیز در معرض ابتلا به آن قرار گیرند.

مشکل امرار معاش و نبود امکان دسترسی به مشاغل ثابت کودکان خیابانی و بیش از پیش در معرض استثمار شدن و نهایتاً درگیر شدن در فعالیت‌ها

پس از تهران به

ترتیب مشهد و

قم بیشترین تعداد

کودکان خیابانی را

دارد که علت اصلی

آن زیارتی بودن این

شهرهاست.

و خلافکار گرفتار می‌شوند و تحت آموزش‌های نامناسبی برای استثمار و بهره‌گیری‌های جنسی قرار می‌گیرند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- آموزش کودکان برای استفاده از آن‌ها در حمل و توزیع مواد مخدر، مشروبات الکلی و مواد غیرقانونی دیگر.

- آموزش کودکان و به کارگیری آن‌ها برای تکدی‌گری.

- آموزش و به کارگیری کودکان برای انواع سرقت، جیب‌بری، کیف‌زنی، کیف‌قاپی و ...

- بهره‌کشی و سوءاستفاده‌های جنسی از آن‌ها.

- آموزش و به کارگیری در اماکن فساد، قمارخانه‌ها، عسرتکده‌ها برای خدمات‌رسانی و یا سوءاستفاده‌های جنسی؛ فروش یا اجاره کودکان به منازل مجردی برای بهره‌کشی جنسی.

- به کارگیری در مشاغل دستفروشی و کارهایی از این قبیل.

د- اشتغال کودکان: در تمامی جوامع کودکان و نوجوانان خیابانی برای ادامه زندگی ناگزیرند شغلی درآمدزا بیابند.



مشکل کسب درآمد

از سویی و افزایش

تعداد کودکان خیابانی

از سوی دیگر آن‌ها را

به رقابت هر چه بیشتر

با یکدیگر ترغیب

می‌کند

و زندگی مشترک با آن‌ها در سرپناه‌های خیابانی و حداکثر زندگی در خانواده‌هایی با مشکلات اقتصادی، از هم گسیختگی و محیطی پر آشوب و بحرانی از جمله زمینه‌هایی است که بستر مناسب و مساعدی را برای شکل‌گیری شخصیتی ناسازگار و نامتعادل مهیا می‌سازد و در چنین بستری قطعاً نمی‌توان به شکل‌گیری شخصیت سالم اجتماعی امیدوار بود.

مشکل کسب درآمد از سویی و افزایش تعداد کودکان خیابانی از سوی دیگر آن‌ها را به رقابت هر چه بیشتر با یکدیگر ترغیب می‌کند و این رقابت به همراه استفاده از روش‌هایی برای جلب ترحم دیگران و کسب درآمد بیشتر از سایرین وضعیتی رقت‌انگیز برای آنان به وجود می‌آورد.

ج- آسیب‌های اجتماعی: بسیاری از کودکان خیابانی به دلیل افتادن در دام قاچاقچیان و خلافکاران مورد سوءاستفاده‌های جنسی قرار می‌گیرند. این کودکان که عمدتاً منبع درآمد خانواده هستند ممکن است به دلایل گوناگون به دست نیروهای انتظامی بازداشت شوند که در این صورت خانواده‌هایشان برای رهایی آن‌ها اقدام می‌کنند. با وجود این، پس از آزادی مجدداً خانواده‌هایشان آن‌ها را برای ادامه امرار معاش از طریق تکدی و ... به خیابان‌ها می‌فرستند.

در واقع، گذراندن زندگی و امرار معاش راهی جز پیوستن به گروه‌های تبهکار و قاچاقچی پیش روی این کودکان قرار نمی‌دهد.

این کودکان از همان اوایل شروع کار در دام گروه‌های قاچاقچی

و موقعیت‌های خطرناک و غیرقانونی قرار می‌دهد که استثمار جنسی و نیز اعتیاد به مواد مخدر به منظور ایجاد دلبستگی هر چه بیشتر به رهبران گروه‌های قاچاق مواد مخدر از آن جمله است.

پیامد این وابستگی ابتلا به بیماری‌های جنسی به خصوص بیماری ایدز و قرارگیری در معرض ویروس HIV است. شایان ذکر است که معمولاً ۱۵ درصد کسانی که در معرض ویروس HIV قرار می‌گیرند به بیماری ایدز مبتلا خواهند شد.

استفاده از مواد تزریقی نیز در کنار سایر مواد مخدر نه فقط آن‌ها را به اعتیاد مبتلا می‌سازد بلکه احتمال آلودگی آن‌ها را به سایر بیماری‌های مسری بیشتر می‌کند.

ب- مشکلات رفتاری و اخلاقی:

یادگیری فرهنگ خشن خیابانی از ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی کودکان خیابانی است که باعث می‌شود به دلیل نقصان در فرآیند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری نمی‌توانند رفتاری همسان سایر گروه‌های سنی خود داشته باشند. قطعاً کودکانی که در محیط خانوادگی ناسالم و بیمار رشد می‌کنند و بیشتر وقت خود را در خیابان‌ها و میادین در میان افراد بزهکار و مجرم می‌گذرانند نمی‌توانند از تربیت صحیحی برخوردار شوند و بالطبع در ایجاد ارتباط اجتماعی مناسب با دیگران نیز ناتوان‌اند.

گروه‌های خیابانی فرهنگ خاص درون گروهی دارند. استفاده از اصطلاحات خاص و غیرمتعارف زاینده همین فرهنگ است. همراهی و همزیستی با بزهکاران و مجرمان در گروه‌های خیابانی

این مشاغل عمدتاً موقت و غیررسمی اند و از حمل و نقل زباله، شستن اتومبیل، مراقبت از اتومبیل، سیگارفروشی و ... گرفته تا مشاغل غیرقانونی ولی درآمدزا مانند فروش مواد مخدر را دربر می گیرد.

در مفهوم بین‌المللی، مشاغل کودکان و نوجوانان خیابانی را به دو دسته تقسیم می کنند که شامل مشاغل موقت غیر رسمی و حرف حاشیه‌ای غیر رسمی می شود.

بخش غیر رسمی عبارت است از گروه‌های کوچک خانوادگی و مراکز و خرده‌فروشانی که قوانین نیروی کار کودکان را دور می زنند و یا زیر پا می گذارند که به مواردی از آنها اشاره کردیم.

کودکان و نوجوانان خیابانی بعضاً به دلیل دسترسی نداشتن به مشاغل رسمی به این گونه مشاغل روی می آورند.

۱- آموزش کودکان: کودکان خیابانی کمتر به مدرسه می روند و کمتر به مراحل تحصیلی بالاتر می رسند. مشکلات خانوادگی و نابسامانی زندگی عمدتاً آنان را از ادامه تحصیل باز می دارد و این معضل معمولاً در اولین سال‌های خیابان گردی گریبان گیر این کودکان می شود.

گرچه امکان ادامه تحصیل و یا موفقیت آنان با وجود این مشکلات نیز عملاً متصور نیست.

آمار موجود در خصوص تعداد کودکان واجب‌التعلیمی که به مدرسه نمی روند بیانگر این است که حدود ۳۰ درصد کودکان واجب‌التعلیم در مقطع ابتدایی به مدرسه نرفته‌اند. این میزان در پاکستان ۲۵ میلیون نفر از

کودکان را دربر می گیرد. همچنین ۸۰ درصد کودکان بنگلادشی، ۳۱ درصد کودکان مکزیک و ۳۳ درصد کودکان پاکستانی در دوره ابتدایی ترک تحصیل کرده‌اند.

پیشنهادات و راهکارها

یکی از علل ایجاد مسائل اجتماعی بی‌سازمانی اجتماعی است. بر اساس این رویکرد، به علت تضاد فرهنگی، بی‌هنجاری و ضعف قوانین، نهادها و مناسبات اجتماعی ناموزون می شود، افراد احساس ناکامی می کنند، کنترل اجتماعی درهم می شکند و مشکلات اجتماعی زیادی پدیدار می شود. این وضعیت تا حدود زیادی نتیجه تغییرات اجتماعی سریع و کنترل نشده‌ای است که تعادل همه امور را بر هم می زند. بر این اساس، حل مسائل اجتماعی نیازمند ایجاد مجموعه‌ای از قوانین کارآمد، روشن و باثبات است تا از سرعت تغییرات اجتماعی بکاهد. و نظام اجتماعی، هماهنگی پیشین خود را باز یابد.

در واقع، بر اساس این رویکرد ممکن نبودن پیش‌بینی تحولات باعث ناهماهنگی میان بخش‌های اجتماعی می شود و این امر از عوامل موثر در ایجاد مشکلات و مسائل اجتماعی است. در عین حال باید توجه کنیم که

هر نظامی در جریان تحولات اقتصادی و اجتماعی خود ناگزیر از طی فرآیندی است که برای دستیابی به توسعه اجتناب ناپذیر می نماید. لذا باید برای کاهش هزینه‌ها و تبعات ناخواسته تدبیری اندیشید.

توجه به موارد ذیل تا حدی از عوارض ناخواسته تا دستیابی به اهداف نهایی می کاهد. این اهداف عبارت است از:

۱- آموزش درک و شناخت صحیح رفتار کودکان و نوجوانان در سنین گوناگون و نحوه رویارویی با مشکلات و رفتارهای خاص کودکان و نوجوانان به خانواده‌ها.

۲- گسترش چتر آموزش کودکان مناطق محروم و اتخاذ سیاست‌های مناسب برای ایجاد عزم ملی در این زمینه و ایجاد زمینه‌های مناسب برای امکان ادامه تحصیل کودکان شاغل.

۳- ادغام فعالیت‌های رفاهی برخی سازمان‌های حمایت کننده در زمینه رفاه اجتماعی همچون سازمان بهزیستی و کمیته امداد و هماهنگ کردن فعالیت آن‌ها تا دستیابی به این هدف.

۴- تدوین قوانین مناسب برای حمایت از حقوق کودکان.

۵- سپردن کودکان رها شده، بد سرپرست یا بدون سرپرست به خانواده‌های مناسب و نظارت بر نحوه آموزش و تربیت آن‌ها.

منابع:

- ۱- زارع مهرجردی، مرضیه (۱۳۷۷)، «علل پیدایش و گسترش کودکان خیابانی در ایران»، اصلاح و تربیت، شماره ۷۸.
- ۲- شامیانی، هوشنگ (۱۳۷۸)، بزهداری اطفال و نوجوانان، تهران: انتشارات ژوبین.
- ۳- مرتن، رابرت، ک (۱۳۷۶)، مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه تولایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

✓

**حل مسائل اجتماعی
نیازمند ایجاد مجموعه‌ای
از قوانین کارآمد، روشن
و باثبات است تا از
سرعت تغییرات اجتماعی
بکاهد.**